

جامعه‌پذیری دینی در آموزه‌های قرآن

مطالعه موردی نهاد خانواده*

- سیدعلی نقی ایازی^۱
□ سیدمحمود مرویان حسینی^۲

چکیده

هر جامعه‌ای برای بقاء خود به اجتماعی کردن اعضایش نیازمند است تا بتواند به ایجاد شخصیت فردی و الگوهای ثابت فکر، احساس و عمل کمک کرده و جایگاه آحاد جامعه و نظام ارزشی و هنجاری مشترک را از این مسیر نمایان سازد. در این میان، نهاد خانواده اهمیت مضاعفی داشته و دین اسلام نیز اهتمام و توجه ویژه‌ای داشته است. مطالعه پیش روی با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی به استخراج و تفسیر اجتماعی گزاره‌های جامعه‌پذیری دین و مباحث پیرامونی آن در نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های قرآن می‌پردازد. کاوش‌های این تحقیق به تأثیر عناصر ساختی والدین و فرزندان، احساسات و عواطف خویشاوندی و پایگاه اجتماعی مطلوب خانواده در سطح کلان نظام اجتماعی در فرایند جامعه‌پذیری دست یافته است و به عواملی مانند تجانس فرهنگی و استمرار بر انجام مناسک دین‌داری به منظور تثبیت درونی سازی عناصر دینی پرداخته

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳.

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (a.ayazi@isca.ac.ir).

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد (marvian@razavi.ac.ir).

است. کارکردهای جامعه‌پذیری مورد پردازش قرار گرفته و از وجود تقلیدهای کورکورانه و انحرافات و کج‌روی موجود در جامعه و رذائل در نهاد آدمی به‌عنوان آسیب‌های این مکانیزم یاد شده است.

واژگان کلیدی: زمینه‌های جامعه‌پذیری، عوامل جامعه‌پذیری، کارکردهای جامعه‌پذیری، آسیب‌های جامعه‌پذیری، خانواده.

مقدمه

تعمیق ایمان دینی به‌عنوان عالی‌ترین درجهٔ دین‌داری مورد توجه دین‌پژوهان بوده است و به وضعیتی اطلاق می‌شود که هر یک از اجزاء و عناصر دین‌ورزی در فرد درونی شده و زمینهٔ کنش‌های مبتنی بر آن را فراهم سازد. معادل این واژه در ادبیات جامعه‌شناسی با عنوان جامعه‌پذیری دینی به کار می‌رود؛ زیرا در مکانیزم جامعه‌پذیری، باورهای هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی و زیباشناختی، عواطف و نمادها منتقل می‌شود (گی‌روشه، ۱۳۷۰: ۱۵۴). خصوصیت دینی هر یک از عناصر یادشده در جامعهٔ متدینان بر اساس آموزه‌های دینی مورد تبادل قرار گرفته، خصلت اجتماعی به خود گرفته و در افراد جامعه درونی می‌شود و فرد آمادگی عمل منطبق با این دسته از مؤلفه‌ها را پیدا می‌کند.

با این وصف، جامعه‌پذیری «فرایندی است که به انسان‌ها، راه‌های زندگی کردن در جامعه را می‌آموزد، شخصیت می‌دهد و ظرفیت‌های او را در جهت انجام وظایف فردی و به‌عنوان عضو جامعه، توسعه می‌بخشد» (کوئن، ۱۳۷۲: ۱۰۳). خصوصیت دینی چنین مکانیزمی، راه‌های زندگی کردن و شکل‌گیری شخصیت و ظرفیت مبتنی بر شریعت را در فرد درونی می‌سازد.

بر اساس این مکانیزم، «جامعه تنها هنگامی می‌تواند به‌طور مؤثر عمل کند که اعضایش به شیوهٔ پیش‌بینی‌پذیر و منظمی رفتار کنند. اگر هر فرد هر طور که دلش می‌خواهد رفتار کند، بدیهی است که بی‌نظمی، برخوردها و مناقشات بسیاری به‌وجود خواهد آمد. در روند جامعه‌پذیری، اعضای جامعه می‌آموزند، که با یک‌دیگر ارتباط برقرار کنند و نسل‌های متوالی، آموزش‌هایی را که برای حفظ حیات جامعه لازم است

فرا می‌گیرند، و به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند» (همان، ۱۲۶). به نظر کارکردگرایان ساختاری اگر کنشگران جامعه یک چنین چیزهایی را یاد نگیرند و ملکه ذهن خود نسازند، جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود و ما می‌دانیم که این یادگیری‌ها فقط در فرآیند جامعه‌پذیری به صورت رسمی و غیر رسمی امکان‌پذیر است. (ویسی، ۱۳۷۵: ۸۳).

جامعه دینی به عنوان قسمی از انواع جوامع نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیازمند به اشاعه و تعمیق عناصر دین‌داری در بین پیروان خویش می‌باشد و طبیعی است که بخش معتناهی از این عناصر از ناحیه متدینین به آن شریعت در بین آحاد جامعه درونی می‌شود. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری دینی از آن جهت در فرایند دین‌ورزی دارای اهمیت است که این مرحله استعداد و ظرفیت برای وقوع کنش‌های مؤمنانه را ایجاد می‌کند. این مهم، ضرورت بررسی عالمانه عوامل تعمیق بخشی به آن را مضاعف می‌نماید.

در جهت تحقق این مهم، کارگزاران بسیاری متولی درونی سازی عناصر دین‌داری هستند. خانواده، گروه همسالان، مدرسه، رسانه و... در این نوشتار، به مطالعه موردی نهاد خانواده بر اساس آموزه‌های قرآن اشاره می‌شود. نهاد خانواده به دلیل نقش مؤثر در جامعه‌پذیری، بسترسازی، حمایت و نظارت بر ارتباطات و چاره اندیشی به منظور بهبود و ارتقاء آن، دارای اهمیت مضاعفی است. دلیل برای اهمیت خانواده این است که خانواده مسئولیت اصلی اجتماعی کردن (جامعه‌پذیری)، کودکان را در سال‌های اولیه و حیاتی زندگی به عهده دارد. خانواده جایی است که کودکان نخستین وابستگی‌های عاطفی نزدیک و صمیمی خود را در آن برقرار می‌سازند، زبان را یاد می‌گیرند و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی را در آن آغاز می‌نمایند. خانواده بر همه ابعاد وجودی کودکان کم‌سال احاطه دارد (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۲۸).

خانواده خودآگاه یا ناخودآگاه، هویت فردی، فرهنگی و اجتماعی اعضایش را با توان ارتباطی خویش شکل می‌دهد و در به فعلیت درآوردن عاملیت افراد نقش دارد. درک اولیه فرد از هویت و رشد شخصیت افراد با تلاش آگاهانه و ناآگاهانه خانواده مرتبط است. اگر والدین فرزندان را به طرز مناسبی با ارزش‌های پایدار و هنجارهای مناسب تطبیق دهند، آنان قابلیت عملکرد مناسب در شرایط زمانی و مکانی متفاوت را

می‌یابند و استراتژی مناسبی در مواجهه با تکنولوژی نوین اتخاذ می‌کنند. در شعاع هویتی، فرد کسانی را که متعلق آنهاست درون گروه و مقوله مثبت، و افرادی را که به آنها تعلق ندارد، برون گروه می‌شناسد. بنابراین می‌توان تناظری میان گرایش فرد به دیگران و اعتماد به آنها با مقوله بندی هویتی یافت. خانواده منبع هنجارسازی است و می‌تواند در به فعلیت درآوردن هنجارهای اخلاقی و غیر اخلاقی مؤثر باشد. بنابراین نقش خانواده بسیار مؤثر بوده و به این مهم در آیات قرآن اشاره شده است.

با این وصف، خانواده به‌عنوان اولین کانونی که فرد در آن قرار می‌گیرد، دارای اهمیت شایان توجهی است. اولین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است و حتی تأثیر پذیری فرد از سایر محیط‌ها می‌تواند نشأت گرفته از خانواده باشد.

بنابراین، اهمیت پرداختن به موضوع «جامعه‌پذیری خانواده»، ریشه در اهمیت نهاد خانواده دارد و موقعیت ویژه‌ای است که این نهاد در ساخت اجتماعی دارد. تحلیل‌های ساختی خانواده در فرایند جامعه‌پذیری، نوع تعاملات و روابط بین اعضاء را در راستای تحقق حداکثری برای تعمیق عناصر فرهنگی تبیین می‌کند. این نوع تفکر، الگوهای متنوعی از میزان و چگونگی جامعه‌پذیری ارائه می‌دهد.

۱- پیشینه تحقیق

در موضوع یاد شده به‌طور مشخص دو مقاله استقراء شد. مقاله جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن (خیری و بصیرت، ۱۳۹۷)، بر این باور است جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی اسلامی، امری لازم است و باید متناسب با فرهنگ اسلامی باشد. از این رو، پرداختن به جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی از نگاه منابع اسلامی را ضروری می‌داند. سؤال اصلی این است که جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن چگونه است؟ برای روشن شدن این بحث، تبیین شده است که اساس نظام اجتماعی قرآن را باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی تشکیل می‌دهد. عملیاتی شدن این مجموعه فرهنگی در نظام اجتماعی با جامعه‌پذیری است؛ و به عناصر آن شامل (روش، محتوی و عوامل) پرداخته شده است. در این عناصر، موارد از روش آموزشی، تقلید و تأثیرپذیری از گروه

مرجع و در محتوی، بخش فرهنگ‌شناختی شامل باورها، ارزش‌ها و هنجارها، و عوامل جامعه‌پذیری، مانند خانواده، آموزش و پرورش، همسالان و رسانه‌های جمعی توضیح داده شده‌اند و موارد از آیات قرآن متناسب با بحث‌ها، مطرح و تبیین شده‌اند. نتیجه تحقیق حاضر این بوده که جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن مبتنی بر نظام الهی توحیدی است. از این نظر، همه آموزه‌های اجتماعی پذیرفتنی نیست، بلکه فرایند جامعه‌پذیری متناسب با فرهنگ قرآنی در باورها، ارزش‌ها و هنجارها می‌باشد.

مقاله دیگر با عنوان، قرآن و جامعه‌پذیری (حسامی، ۱۳۸۸)، با رویکرد نظری و تحلیلی و با کنکاش در آیات قرآنی می‌کوشد تا نشان دهد قرآن کریم ضمن احترام به جماعت انسان‌ها، همگان را به پذیرش همه آموزه‌های اجتماعی فرا نمی‌خواند، بلکه سرپیچی از آموزه‌های ناسازگار با اسلام را مطلوب می‌شمارد. بنابراین، در نگاه قرآن، اجتماعی شدن در گروه‌های مؤمنانی که هنجارها و ارزش‌گذاری‌های خود را بر پایه ارزش‌های اسلام بنا می‌کنند، محترم است، نه در هر گروه و اجتماعی.

آنچه تحقیق حاضر را از مطالعات مشابه متمایز می‌کند، مطالعه میان رشته‌ای این تحقیق و استخراج و تحلیل گزاره‌های جامعه‌شناختی از قرآن است و به‌طور مشخص به نهاد خانواده پرداخته و به عوامل، زمینه‌ها، کارکردها و آسیب‌های احتمالی بر اساس آیات قرآنی اشاره شده است.

بنابراین هدف از نگارش این مقاله بازسازی برخی آراء و دیدگاه‌های علوم اجتماعی و به‌طور مشخص در حوزه جامعه‌پذیری با رویکرد قرآنی و بهره‌افراز آموزه‌های این کتاب آسمانی در بین جوامع انسانی است.

۲- روش‌شناسی

روش مطالعه در این پژوهش، روش کیفی برگزیده شده و مشخصاً از تکنیک تحلیل محتوای کیفی استقرائی به‌عنوان یکی از مکانیزم‌های روش کیفی استفاده شده است. در این مکانیزم، شناخت واقعیت جز با درک آن به مثابه یک کل واحد و به هم پیوسته، ممکن نمی‌شود. همچنین فهم معانی مستتر در پیام‌ها تنها با گذر از سطح و با رسوخ به معانی پنهانی که در پس اجزای متن نهفته‌اند، میسر خواهد شد. در تحلیل

محتوای کیفی، با در نظر داشتن کاستی‌ها، محقق فعالانه وارد فرایند تحقیق می‌شود و به درک موضوع تحقیق با در نظر گرفتن بافت ارتباطی که موضوع مطالعه در آن ریشه دارد (نظیر نیت مؤلف و زمینه فرهنگی موضوع)، ویژگی‌های متن (مانند بافت غیر زبانی، نشانه شناختی، دستوری و...) ویژگی‌های گروه هدف و دریافت کنندگان اقدام می‌کند (Mayring, 2003: 267). مسیر حرکت در تحلیل محتوای کیفی عمدتاً از متن به سمت بیرون کشیدن مقولات و سپس ایجاد مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی است. از این رو، کاربرد بیشتر منطق استقراء در آن، پذیرفته شده است (Eio&Kingas, 2007: 107). استفاده از رویکرد استقرائی که از آن به عنوان تحلیل محتوای متعارف هم نام برده شده است، بیشتر زمانی ضرورت می‌یابد که اطلاعات کافی درباره یک پدیده وجود ندارد و محقق می‌خواهد دانش زمینه‌ای لازم را در این خصوص فراهم کند. این شیوه تحلیل محتوا، بیشتر به دنبال تقلیل اطلاعات و ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در اینجا تحقیق از طریق توجه به مضامین مسلط و متداول در داده‌هاست (Thomas, 2006: 2).

بنابراین، به منظور دستیابی به توسعه مفهومی جامعه‌پذیری دینی در آموزه‌های قرآن با تأکید بر نهاد خانواده، گردآوری داده‌ها از میان آیات وحی نخستین مرحله است که باید اقدام نمود؛ آنچه خلاقیت و اتقان کار را در این زمینه تضمین می‌کند، احاطه پژوهشگر به تفسیر اجتماعی آیات وحی و فهم جامعی از جامعه‌پذیری دینی است. در این میان گرایش تفسیر اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است که به منظور تشریح و تأیید بر مفهوم پردازی‌ها صورت گرفته است.

«مقصود از تفاسیر اجتماعی، مجموعه‌ای از شروح، توضیحات، استنباطات و تحلیل‌هایی است که مفسران در طی قرون و اعصار در ذیل آیات اجتماعی قرآن مجید عرضه کرده‌اند. آیات اجتماعی نیز به آیاتی اطلاق می‌شود که به زندگی اجتماعی انسان و لوازم و آثار و پیامدهای آن مربوط باشد» (تقی زاده داوری، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

یکی از مسائل اساسی در عرصه پژوهش، سنجش صحت و دقت یافته‌های تحقیق است؛ از این جهت، توجه به ارزیابی‌های علمی، به منظور افزایش مشروعیت و مقبولیت علمی نتایج پژوهش، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ از این اقدام در پژوهش‌های

کیفی به قابلیت اعتبار تعبیر می‌شود. قابلیت اعتبار در این مطالعه، نشان دادن رابطه بین کدگذاران (داوران) در نتایج کدگذاری بوده و به معنای میزان توافقی است که کدگذاران مستقل، هنگام ارزیابی ویژگی‌های یک پیام یا متن به دست می‌دهند. واژه خاص مورد نظر برای سازگاری در تحلیل محتوا، «توافق بین کدگذاران» است و این امر در تحلیل محتوا مورد نیاز است. زیرا میزان کمیت‌های مشابهی را که قضاوت‌های متفاوت به هر پدیده می‌دهند، اندازه می‌گیرد.

۳- یافته‌های تحقیق

۳-۱- عوامل و زمینه‌های مؤثر بر جامعه‌پذیری دینی در خانواده

۳-۱-۱- عنصر ساختی والدین

پدر و مادر، وظیفه و مسئولیت خطیر تربیت کودکان را به‌عنوان نخستین اولویت کارکردی خود بر عهده دارند، بلکه می‌توان گفت؛ کودکان معاصر، بیش از کودکان گذشته از میان الگوهای متحرک محیطی، نزدیک و همانند خود، به پدر و مادر اقتدا می‌کنند و به‌گونه غیر ارادی رفتار آنان را الگوی رفتاری و سرمشق زندگی خویش قرار می‌دهند. بر این اساس الگوبرداری رفتاری فرزندان از والدین نسبت به دیگر عوامل تربیت‌پذیری از اهمیت بیشتری برخوردار است.

آیه سی و ششم سوره بقره^۱، شیطان را عامل دوری آدم و حوا از بهشت و نعمت‌های آن و کرامتی که داشتند، معرفی می‌کند. محتوای آیه یاد شده گواه بر این مطلب است که پدر و مادر، در تعیین پایگاه و منزلت اجتماعی فرزندان مؤثرند. چنانکه ذکر احسان به پدر و مادر پس از موضوع ربوبیت خداوند در آیه ۲۳ سوره اسراء^۲ می‌تواند اشاره به اهمیت و منزلت اجتماعی والدین در تربیت و رشد انسان باشد.

۱. ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ﴾.

۲. ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا﴾.

آیه ۲۸ سورهٔ مریم^۱ نیز گواهی دیگر بر تأثیر والدین در جامعه‌پذیری است «ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بود و نه مادرت زنی بدکاره». استبعاد مخاطب نسبت به والدین حضرت مریم نسبت به اتهامی که به وی زده شد حاکی از آن است که والدین در جامعه‌پذیری فرزندان تأثیر شگرف و عمیقی دارد «والدین تو (مریم)، افراد عقیقه، صالح و پاکیزه بودند؛ تو از کجا این سلوک ناصواب را برگزیدی» (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ۳۹/۱۵).

تربیت صحیح اطفال و پرورش صفات پسندیده، که تعبیری دیگر از جامعه‌پذیری است، یکی از وظایف اسلامی و اجتماعی پدران و مادران است. والدین مکلف هستند فرزندان خویش را به پاکی و نیکی تربیت کنند و عملاً آنها را افرادی شایسته و با فضیلت بارآورند (فلسفی، ۱۳۴۸: ۲۸۶).

حضرت سجاد علیه السلام دربارهٔ اهمیت درونی سازی عناصر فرهنگی توسط والدین به فرزندان و نوع رابطه ایشان چنین فرموده‌اند: «حق فرزندان است که بدانی وجود او از تو و نیک و بدش در این جهان وابسته به تو است و با دارا بودن قدرت واسطهٔ پدری، مسئول تربیت وی هستی، باید رفتار تو دربارهٔ فرزندان هم مانند رفتار مریمی شایسته‌ای باشد که تربیت صحیحش در این جهان مایهٔ زیبایی و جمال اخلاقی فرزند گردد» (همان، ۲۸۷).

۳-۱-۲- وجود فرزندان صالح

طبق مفاد آیهٔ سی و هشتم سورهٔ آل عمران^۲، انگیزهٔ حضرت زکریا از اینکه گفت: پروردگارا مرا از ناحیهٔ خود فرزندی و نسلی پاک ببخش، «منظورش از ذریهٔ طیبه، فرزندی بود که نزد خدا کرامتی شبیه به کرامت مریم و شخصیتی چون او داشته باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۲۷۴/۳).

در این آیه، به یکی از عوامل جامعه‌پذیر کننده در نهاد خانواده اشاره شده و آن عضویت فرزندان صالح و نوع روابط شان در کانون خویشاوندی است، چون گروه‌ها و

۱. ﴿يَا حَتَّ هَرُونَ مَا كَانَ أَبِيكَ امْرَأًا سَوًّا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا﴾.
 ۲. ﴿هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ﴾.

افرادی که انسان با آنها کنش متقابل چهره به چهره دارد (خانواده، همسالان، گروه همبازی و...) تأثیر تعیین کننده‌ای در شکل‌گیری شخصیت و کنش‌های اجتماعی او دارند. زیرا «میزان تأثیرگذاری کارگزاران اجتماعی شدن بر جامعه پذیر شونده‌گان با یک‌دیگر برابر نیست. یکی از عواملی که بر میزان تأثیرگذاری آنان مؤثر است، میزان تعامل آنها با یک‌دیگر است و هر چه تعامل بیشتر باشد، احتمال تأثیرگذاری بیشتر است» (صدیق اورعی و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۴۲).

۳-۱-۳- پایگاه اجتماعی مطلوب

وجود عناصر مطلوبی چون منزلت اجتماعی شایسته و پیشینه مثبت خویشاوندی، زمینه تشکیل خانواده کارآمد و مؤثر را فراهم می‌سازد. تشکیل نهاد خانواده با چنین خصوصیتی می‌تواند تأثیر مثبتی در ساخت کلان جامعه داشته باشد. آیه نود و یکم سوره هود^۱ به پایگاه خانوادگی حضرت شعیب علیه السلام اشاره می‌کند که باعث دوری وی از گزند حوادث شد و تا حدی زمینه جامعه‌پذیری قومش را فراهم آورد.

مردم زمان حضرت شعیب علیه السلام خطاب به وی «گفتند: ما تو را در بین خود ضعیف می‌بینیم که نه به دستورات اعتنایی هست و نه به سخنان، آنگاه تهدیدش کردند اگر ملاحظه این عده قلیل از بستگان نبود تو را به‌طور یقین سنگ‌سار می‌کردیم، ولی ملاحظه جانب این چند نفر خویشان تو را کردیم و متعرض تو نمی‌شویم، سپس دنبال آن تهدید، اضافه کردند که تو در بین ما قوی نیستی و مقام منیعی نداری و اگر بخواهیم تو را می‌کشیم و تنها چیزی که تاکنون ما را از این کار بازداشته، رعایت جانب بستگان تو بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۵۶۰/۱۰).

موقعیت و پایگاه خانواده هر فرد، نوع تعامل جامعه را با فرد مشخص می‌کند (آخوندی و ابازی، ۱۳۹۰: ۴۳). آیات متعدّد در سوره شعرا که پیامبرانی همچون هود، صالح، لوط، نوح با تعبیر اذ قال لهم اخوهم با مردم خویش صحبت کرده و آنان را دعوت به

۱. «قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُوكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْ لَا رَهْمُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ».

ایمان کرده‌اند، ناظر به جایگاه منزلت خانوادگی و تأثیر در دعوت می‌باشد. البته این برادری در مدار خانواده کلان و قومیت واحد است. به طریق اولی خانواده سببی، اثرگذاری بیشتری دارد.

۳-۱-۴- ابراز احساسات و عواطف

برقراری روابط مبتنی بر عواطف و صمیمیت در بین اعضای خانواده و شبکه خویشاوندی، نوعی هم‌تغییری بین اعضای ایجاد می‌کند، به طوری که ابراز محبت و صمیمیت تعاملی، میزان و ضریب آن را مضاعف کرده و به سایر ابعاد نظام خویشاوندی و آحاد جامعه تسری پیدا می‌کند. در این سنخ از روابط، افراد عموماً قواعدی را شکل می‌دهند که متناسب با نگرش‌های پذیرفته شده باشد. آیات ۲۳ و ۲۴ سوره اسراء^۱ روابط عاطفی و خاص گرایانه را از مختصات خانواده دانسته است. این خصوصیت منجر به تسهیل در امر اجتماعی شدن اعضای خانواده در سطح خرد و نظام اجتماعی در سطح کلان می‌شود. از دیگر سو، روابط عاطفی و تولید عاطفه در خانواده، انسجام و نظم اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد؛ عدم توجه به این مهم منجر به اختلال در روابط عاطفی و خاص گرایانه در خانواده شده و روابط ابزاری و عام‌گرایانه به تدریج جای‌گزين آن خواهد شد (آخوندی و ایازی، ۱۳۹۴: ۳۲۷).

آیه ۲۱ سوره روم^۲ نیز ثبات، استحکام و پایداری خانواده را وابسته به میزان احساسات، عواطف و روابط دوستانه و عاطفی معرفی می‌کند.

آیه ۱۹ سوره نساء^۳ نیز بر این معنا دلالت می‌کند «روابط درون گروهی خانواده نباید بر اساس خودکامگی باشد، بلکه باید بر اساس عاطفه استوار بوده، اعضا همواره در

۱. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَوْفٍ وَلَا تَهْزُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا».

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُبُوا النِّسَاءَ كُرْهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا».

راستای تحکیم و تثبیت نهاد خانواده گام بردارند» (آخوندی و ایازی، ۱۳۸۹: ۳۰۰/۱)، در ادامه همین سوره آیه ۲۱ اشاره می‌کند، اگر روابط سلطهٔ ابزاری که در تعارض با روش‌های جامعه‌پذیری است، جای‌گزین عواطف و صمیمیت‌ها شود فروپاشی نظام اجتماعی خانواده از پیامدهای آن خواهد بود.

آیهٔ سی و ششم سورهٔ نساء^۱ در مقام بیان ابراز احساسات و عواطف عملی بوده که چنین معنایی از آن استفاده می‌شود

بنابراین، روابط صمیمی تابع انتظارات اجتماعی است و به شیوه‌ای کم و بیش صریح به تبیین عاطفه و عشق می‌پردازد. این امر زمینهٔ درونی سازی عناصر فرهنگی را دو چندان می‌کند.

دومین نکتهٔ مهم این آیه، سلسله مراتب این روابط صمیمی و عاطفی است که از والدین شروع و به بردگان ختم می‌شود.

مطالعات برین نشان می‌دهد که چگونه هنجارها روابط صمیمی را تعیین می‌کنند، این مطالعات نشان می‌دهند که هنجارها دارای کارکردهای فرهنگی و دوره‌ای هستند. نتایج تحقیقات دیگر نشان می‌دهد که افراد از احساسات عاطفی، عاشقانه، متأثر از هنجارهایی در روابط صمیمانه برخوردارند و برای تبیین هیجانانگیز خود از واژه‌های خاصی استفاده می‌کنند (ربانی و کجاف، ۱۳۸۶: ۸۱).

روابط صمیمی در خانواده نوعی هنجار است که به هر میزان درون نظام خویشاوندی بهتر صورت گیرد، فرآیند جامعه‌پذیری در این نهاد به‌درستی انجام می‌پذیرد. به عبارت دیگر، مهرورزی و رفتار عاطفی والدین با فرزندان، زمینه‌ساز شکل‌گیری عزت نفس و هویت خانوادگی شده و او را از احساس حقارت و کمبودهای اجتماعی که پایهٔ بزهکاری و کج‌روی اجتماعی است باز می‌دارد.

۱. ﴿وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُم إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾.

۲. ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾.

دیگر شخصیت زن و مرد در نهاد خانواده تحت تأثیر کنش متقابل یک‌دیگر قرار دارد. آیه ۱۸۷ سوره بقره^۱ با تعبیری دیگر حکایت از این معنا می‌کند «این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آنها را به یک‌دیگر و نیز مساوات آنها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که دربارهٔ مردان آمده دربارهٔ زنان هم آمده است بدون هیچ تغییر» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۶۵۰/۱).

بنابراین فرآیند جامعه‌پذیری هیچ وقت متوقف نمی‌شود و با تشکیل خانواده ارزش‌ها و باورهای زن و مرد تحت تأثیر یک‌دیگر قرار می‌گیرد و فرآیند درونی شدن باورها و ارزش‌ها نیز تداوم می‌یابد. نکته دوم در مورد همسان همسری این است که همسانی بین دو فرد نه تنها آنان را به سوی یک‌دیگر جذب می‌کند. بلکه پیوند و وصلت ایشان را استوارتر می‌سازد. به سخن دیگر، ناهمسانی میان زوج، سرچشمهٔ کشمکش‌های خانوادگی است. جلوهٔ همسان رفتاری زوجین که نتیجهٔ همسان همسری است به گونه‌های مختلفی مشاهده پذیر می‌شود. مانند آنچه که در آیات ۸ و ۹ سوره دهر^۲ دربارهٔ حضرات فاطمه و علی علیهما السلام بیان شده است.

۳-۱-۶- مناسک دینی

یکی از عواملی که موجب طراوت، تازگی و پویایی دین و حرکت آن به جلو می‌شود، اجرای مناسک است. کارکرد مناسک، نوعی تمرین جامعه‌پذیری دینی است که منجر به فرهنگ‌پذیری دینی و درونی‌سازی عناصر دین‌ورزی در بین اعضای خانواده می‌شود. آیهٔ پنجاه و پنج سورهٔ مریم^۳، یکی از نقش‌های مرد در خانواده را نظارت و کنترل و تعیین جهت‌گیری‌ها در نهاد خانواده معرفی کرده است «(آخوندی و ایازی، ۱۳۹۰: ۲۲۱). شکل این نوع نظارت بر اساس آنچه در آیه بدان اشاره شده، استمرار مناسک دینی است.

۱. ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَاسٍ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٍ لَّهُنَّ﴾.
۲. ﴿وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا * إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا﴾.
۳. ﴿وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا﴾.

شکل ۱- عوامل و زمینه‌های جامعه‌پذیری دینی



۲-۳- کارکردهای جامعه‌پذیری دینی در خانواده

خانواده کارآمد با توجه به منابع اسلامی، خانواده‌ای است که با پای‌بندی اعضای آن به باورهای دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم می‌کند (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۲). از نظر پارسنز، هر سازمان اجتماعی که بخواهد به مؤلفه‌های کارآمدی دست یابد لازم است عمل‌کردهای چهارگانه ذیل را تأمین کند.

یک. حفظ و نگهداری الگوهای فرهنگی بنیانی (آموزش و پرورش و جامعه‌پذیری با میانجی‌گری خانواده در بسیاری از جوامع بزرگ‌تر، همین نقش را ایفا می‌کند).
 دو. انسجام بخشیدن به اعضای خود در یک کار دسته جمعی هماهنگ (معمولاً دین و نظام قانونی این وظیفه را برعهده دارد).

سه. وصول به اهداف جامعه (که از راه سیاست انجام می‌گیرد).

چهار. سازگاری (انطباق با محیط) که از طریق اقتصاد انجام می‌پذیرد (توسلی، ۱۳۷۱: ۲۴۷).

مجموعه فرآیندهایی که به مدد آنها اجتماعی شدن افراد تحقق می‌یابد، کارکرد حفظ الگو در جامعه می‌باشد. از طریق جامعه‌پذیری است که فرهنگ به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آنان درونی شده و عامل مهمی در انگیزش رفتار اجتماعی آنان به حساب می‌آید (همان، ۲۵۰). نتیجه چنین فرایندی، ایجاد شخصیت فردی والگوهای نسبتاً ثابت فکر، احساس و عمل می‌شود و منجر به توسعه توانایی‌های شناختی و استعدادهای عاطفی خواهد شد (رابرتسون، ۱۳۷۲: ۱۲۵-۱۱۲).

۳-۲-۱- اصلاحات خویشاوندی

اصلاح اجتماعی گاه میان دو فرد، گاه خانواده و گاه جامعه اسلامی است و این نوع اصلاح زوایای گوناگونی دارد: سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، اداری و.... آنچه در این نوشتار به‌عنوان کارکرد جامعه‌پذیری از آن سخن می‌گوییم اصلاحات در نظام خانواده به‌عنوان نهادی در کنار نهادهای اجتماعی است که بر دیگر نهادها تأثیرگذار است.

موضوع آیه هشتاد و پنجم سوره صافات^۱ درباره گفت‌وگوی حضرت ابراهیم و بستگانش بوده و درباره دومین کارکرد جامعه‌پذیری است. حضرت در قالب پرسش‌های انکاری در مقام بیان حقایقی هستند که موجب توسعه شناختی پرستش می‌شود. این امر می‌تواند زمینه باز اجتماعی شدن خویشاوندان را فراهم آورد. نوع سؤالات مطرح شده در آیه، اظهار تعجب بوده و در نظر داشته تا بفهماند این عمل شما سخت، عجیب و غریب است.

در فرایند اصلاح اجتماعی و فرهنگی، اولین گروه از مخاطبین که برنامه‌های اصلاح اجتماعی و فرهنگی در میان آنها اجرا می‌شود، خویشاوندان هستند (آخوندی و ایازی، ۱۳۹۰: ۵۸۵).

۱. ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ﴾.

اصلاحات خویشاوندی که در آیه ۲۱۴ سوره شعراء^۱ بدان تصریح شده و پیامبر ﷺ را مأمور به دعوت خویشاوندان به اسلام و اصلاح در نگرش و رفتار ایشان می‌کند، بدین معناست که فرد به درستی ارزش‌ها و باورهای خانواده و جامعه را بازسازی کرده و بر اساس آن بتواند یک جامعه سالم یا به تعبیر افلاطون مدینه فاضله‌ای ترسیم نماید که دیگر در آن هیچ نقص و عیبی وجود نداشته باشد. این مهم می‌تواند به روش‌های گوناگونی محقق شود. طرح پرسش‌های انکاری و تعجبی، نوعی معرفی هنجار نادرست است.

در آیه نود سوره نحل^۲ «خدای سبحان ابتدا آن احکام سه گانه (عدالت اجتماعی، احسان و بخشش به نزدیکان) را که مهم‌ترین احکامی هستند که اساس اجتماع بشری با آن استوار است و از نظر اهمیت یکی پس از دیگری قرار دارند، ذکر فرموده است. زیرا از نظر اسلام، مهم‌ترین هدفی که در تعالیمش دنبال شده صلاح مجتمع و اصلاح عموم است» (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۴۷۵/۱۲).

در این آیه، یکی از کارکردهای جامعه‌پذیری، صلاح مجتمع و اصلاح عموم بیان شده است. احسان و بخشش افراد ثروتمند به افراد فقیر در شبکه خویشاوندی، باعث اجرای عدالت در بین اعضا شده و همین امر موجب توزیع و تثبیت ارزش‌های یک جامعه به شمار رفته و فرآیند تحقق جامعه‌پذیری را تسهیل کند.

از دیگر سو باید توجه نمود که اصلاح شبکه خویشاوندی در چنین وضعیتی، باعث اصلاح جامعه نیز می‌شود. طبیعی است که گستره این وضعیت می‌تواند تراکم جامعه‌پذیری را در بین متدینان فراهم آورد.

۳-۲-۲- تأثیر گذاری در سعادت فردی

در آیه صد و سیزده سوره صافات^۳ به یکی از ارزش‌های مهم در نهاد خانواده، یعنی برکت، اشاره شده است. دین مبین اسلام، برای خانواده جایگاه و اهمیت ویژه‌ای قائل

۱. ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾.

۲. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَنِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾.

۳. ﴿وَبَارِكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ﴾.

است؛ زیرا خانواده می‌تواند عامل بسیار قوی و مؤثری در سعادت یا شقاوت انسان باشد. آنگاه که پدر و مادر در قبال وظایف سنگین و بسیار مهم خود نسبت به فرزندان احساس مسئولیت کرده، وظیفه شرعی و عقلی خود را در این باره عمل نماید. به یقین فرزندان لایق، شایسته، مسئولیت‌پذیر و مفیدی به جامعه تحویل خواهند داد. در صورت اهمال و سهل‌انگاری، فرایند تعمیق ایمان دینی در نهاد خانواده، دیگر عوامل جامعه‌پذیر کننده می‌تواند تأثیرات خود را بر این فرایند، سیطره بخشیده و تعمیق ایمان دینی را مختل کرده و نتایج مطلوبی به‌جای نخواهد گذاشت. چنانکه در تفسیر اجتماعی ذیل این آیه استنباط می‌شود «شخصیت فرزندان در خانواده به‌گونه‌ای مطلق و حتمی، تماماً تحت تأثیر ارزش‌ها و باورهای خانواده نیست» (آخوندی و ایازی، ۱۳۹۰: ۵۸۸).

بر این اساس، علاوه بر نهاد خانواده، عوامل دیگری نیز در تربیت کودک نقش دارند، که ممکن است متناسب یا ناهماهنگ با ساخت فرهنگی خانواده باشد. مرحوم فلسفی در کتاب خود، جوان از نظر عقل و احساسات، از این عوامل با نام کودک و رفتار دیگران یاد می‌کند.

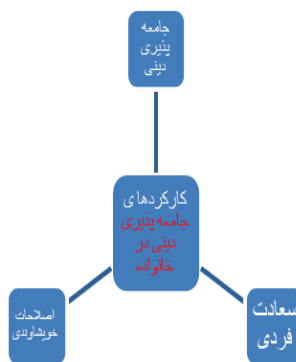
«محیط خانواده، آموزشگاه و سایر اطرافین کودک سازنده خلق و خوی اجتماعی وی هستند. آنان هستند که با روش‌های پسندیده یا ناپسند خود، به‌طور آگاه یا ناآگاه شخصیت طفل را پایه‌گذاری می‌کنند و استعداد اجتماعی شدن کودک را به فعالیت در می‌آورند. آنان هستند که در طول دوران کودکی، طفل را برای زندگی اجتماعی مهیا می‌سازند و او را برای همکاری با مردم و سازش با محیط می‌سازند. علاوه بر موارد بالا، محیط اجتماعی قادر است به آسانی جوانان را هم‌رنگ خود نماید و صفات و خلیقات خانوادگی آنان را که هم‌آهنگ روش‌های اجتماعی نیست به‌دست فراموشی بسپارد» (ربانی و کجیاف، ۱۳۸۶: ۹۸).

درباره نقش خانواده در تربیت فرزندان سالم و افرادی که عنصری سالم در فرایندهای اجتماعی باشند می‌توان به آیه ۵۸ سوره اعراف^۱ اشاره کرد که می‌فرماید: «و

۱. ﴿وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي حَبَّتْ لَآ يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ﴾.

سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بد طینت و شوره‌زار جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی‌روید». تفسیر نور در ذیل این آیه چنین می‌نویسد: اگر با دید وسیع به این آیه بنگریم، شاید بتوان یکی از مصادیق سرزمین پاک را که محصول پاک می‌دهد، خانواده پاک بدانیم (قرائتی، ۱۳۸۸: ۸۶/۳).

شکل ۲- کارکردهای جامعه‌پذیری دینی



۳-۳- آسیب‌شناسی جامعه‌پذیری دینی در خانواده

۳-۳-۱- تقلید جای‌گزین جامعه‌پذیری

در آغاز قرن بیستم، نفوذ اجتماعی در خصوص تمایل افراد به تقلید از دیگران بوده است. نفوذ اجتماعی نشان می‌دهد که اجتماع بر روی فرد اثر می‌گذارد و تغییراتی را در سطح رفتار ایجاد می‌کند و اما تقلید یکی از فرایندهای نفوذ اجتماعی است که نوعی جاذبه پنهانی دارد و به منظور شباهت با دیگران به کار می‌رود (ربانی و کجباف، ۱۳۸۶: ۹۷).

به رفتار حاصل از الگوگیری و سرمشق‌گیری از رفتار فرد دیگر، تقلید گویند. به عبارت دیگر تقلید، بازسازی فعال کیفیات و خصوصیات ادراک شده رفتار موجودی دیگر است، تقلید یک جنبه پیوسته از کنش است. در نظریه پیازه، تقلید برون‌سازی است. اصطلاح تقلید متفاوت یا متمایز برای بیان تقلیدی به کار می‌رود که در غیاب

الگو یا نمونه مورد تقلید صورت می‌گیرد. در این پدیده رفتار شخص به واسطه مرجع، تقلید می‌شود. به عبارت دیگر شخص با مشاهده یک مدل می‌تواند رفتار مشابه آن را در خود ایجاد کند. در تمایز این نوع از نفوذ‌پذیری (تقلید)، با همانند سازی گفته‌اند که در همانند سازی یک پیوند عاطفی شدید وجود دارد، در حالی که تقلید فقط تکرار واکنش‌های مشخص شده و قابل مشاهده دیگران است (همان، ۹۸).

تفاوت تقلید با جامعه‌پذیری در این است که تقلید یکی از انواع یادگیری است که فرد آن را یاد می‌گیرد. در حالی که جامعه‌پذیری مکانیزم درونی سازی است، لذا این دو مکانیزم ماهیت متفاوتی دارند.

آیه شصت و نه و هفتاد سوره صفات^۱ به این نکته اشاره می‌کند. پیروی کورکورانه و عدم آگاهی، امر شایسته نبوده و از ثبات لازم برای تداوم رفتار نیز برخوردار نیست. تقلید کورکورانه در باورها و عقاید باعث می‌شود فرد بدون اختیار و به صورت مکانیکی در سطح کنش‌ها و ارزش‌ها بدون تفکر عمل نماید.

۳-۳-۲- وجود انحرافات و کج‌روی در جامعه

یکی از آثار اختلال جامعه‌پذیری در نهاد خانواده، وجود انحراف در جامعه است. اگر خانواده نتواند ارزش‌های خود و جامعه‌اش را در بین اعضای درونی کند، همین امر باعث کج‌روی و انحراف در خانواده و جامعه می‌شود. آیات هفتاد و سه و چهار سوره مؤمنون^۲ به این مهم اشاره می‌کند. ایمان نداشتن به آخرت نشانه درونی نشدن باورها و ارزش‌هاست. همین امر باعث کج‌روی و انحراف در جامعه می‌شود. چنانکه در ذیل برداشت همین آیه در تفسیر راهنما اشاره شده است.

«وجود کج‌روی و انحراف و جرم در جامعه، نشانه درونی نشدن باورها و ارزش‌ها است» (آخوندی و ابازی، ۱۳۹۰: ۳۳۲).

خانواده به‌عنوان بستر مناسب برای درونی سازی باورها و ارزش‌های اجتماعی شناخته شده که می‌تواند نظم اجتماعی را در بین اعضای جامعه ایجاد، تقویت و توسعه

۱. ﴿هُم عَلَىٰ آثَارِهِمْ يُهْرَعُونَ ۖ إِنَّهُمْ لَفُؤَاءُ آبَاءِهِمْ ضَالِّينَ﴾.

۲. ﴿وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۖ وَإِنَّ الدِّينَ لَآ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَّاكِبُونَ﴾.

بخشد. اختلال و نارسایی احتمالی که در نهاد خانواده به وجود آمده، می‌تواند انحرافات اساسی در متن جامعه را موجب شود.

۳-۳-۳- وجود ردائل انسانی

از شیوه‌هایی که جامعه به رفتار اعضاء نظارت کرده و نظم اجتماعی را برقرار می‌سازد، نظارت از طریق اجتماعی شدن است. در واقع کارآیی افراد در جامعه زمانی بیشتر می‌شود که موافق نقش‌هایی که برعهده دارند رفتار کنند، و گرایش مردم به عادات و آرزوهای‌شان همان چیزی باشد که جامعه، مطلوب تلقی می‌کند.

چنانچه مردم طبق انتظار جامعه رفتار کنند، نظارت اجتماعی برقرار می‌شود. بخش عمده فرآیند اجتماعی شدن کودک شامل یادگیری گرایش‌ها، آرزوها، عادات و نقش‌های اجتماعی است. اگر کسانی در اجرای نقش‌های اجتماعی با مشکل مواجه می‌شوند، به این دلیل نیست که وظایف مربوط به آن را یاد نگرفته‌اند. بلکه ممکن است به دلیل مجموعه نقشی باشد که در موقعیت‌های مختلف اجتماعی برعهده گرفته و چه بسا مورد علاقه آنها نیز نبوده و از آن احساس رضایت نمی‌کنند. اجتماعی شدن افراد جامعه به این معنی است که مردم جامعه عاداتی کسب کنند و آرزوهایی داشته باشند که برای جامعه مطلوب است.

چنانچه اعضای جامعه به شکل مشابهی اجتماعی شوند، بدون تفکر و داوطلبانه به اموری خواهند پرداخت که جامعه از آنان انتظار دارد و از لحاظ رسم، عادات و آرزوها مشابهت‌هایی با هم پیدا می‌کنند.

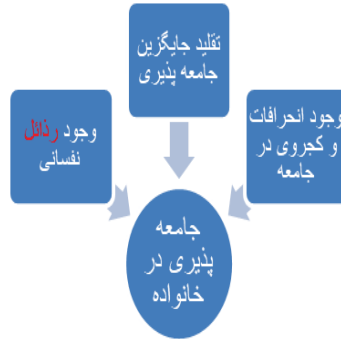
آیه صد و سی و یک شعراء^۱، برمسئله اسراف در دو سوی شهوت و غضب و خروجشان از رسم عبودیت (خروج قوم عاد) تفریع شده، می‌فرماید: چون چنین هستید، پس از خدا بترسید و او را اطاعت کنید و دستورات او را درخصوص ترک اسراف و استکبار به کار بندید (طباطبایی، ۱۳۷۷: ۱۵/۴۲۰).

«علل بسیاری از ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی، درونی نشدن ارزش‌های دینی و یا ناپایبندی به آنهاست» (آخوندی و ایازی، ۱۳۹۰: ۳۹۳). در این زمینه قرآن کریم در آیه

۱. ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا﴾.

۱۷۰ سوره بقره^۱ از نقش پدران به عنوان گروه مرجع در شکل‌گیری شخصیت انحرافی و هنجارشکن یاد می‌کند.

شکل ۳- آسیب‌شناسی جامعه‌پذیری در خانواده



نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب پیش آمد و تأکیدی که بر کارکردهای جامعه‌پذیری خانواده بدان اشارت شد، می‌توان از خانواده به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی و یکی از گروه‌های نخستین تأثیرگذار یاد کرد و نقش آن را در تعیین‌کننده‌گی بر جامعه‌پذیری دینی برشمرد، و از این رهگذر می‌توان فرزندان سالم به جامعه تحویل داد و در نتیجه باعث برکت برای خانواده و جامعه فراهم آید.

از دیگر سو نباید از شرایط، عوامل و زمینه‌های لازم برای تحقق این فرایند مهم و تأثیرگذار غفلت جست. شرایطی که توفیق بیشتر جامعه‌پذیری را فراهم می‌آورد. خانواده کانون تجلی و ابراز محبت‌ها و صمیمیت‌ها و بروز توانمندی‌هاست. عناصر ساختی حاکم بر نظام خانواده و خویشاوندی می‌تواند توزیع مهر و محبت در نهاد خانواده را تنظیم کند.

تشکیل خانواده‌ها شایسته است مبتنی بر هم‌کفو بودن طرفین صورت گیرد. زیرا این

۱. «وَإِذَا قِيلَ لَهُم اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ».

امر مبنایی برای جامعه‌پذیری است. هرگونه تخلف از این اصل بنیادین می‌تواند مبنای اختلافات و تضاد بین اعضاء خانواده باشد و نقش تربیتی که بر عهده خانواده است را مختل سازد و فرزندان ناصالح را تربیت کند.

تداوم مناسک، تمرین دین‌داری است و بر اساس آموزه‌های دینی تذکری است برای التفات و توجه به ذات لایتناهی الهی که موجب سعادت دنیوی و اخروی آدمی شده و کارکرد آن در نهاد خانواده منجر به اصلاحات در نظام خویشاوندی می‌شود. طبیعی است عدم توجه به این دسته از عوامل و زمینه‌ها منجر به ناکارآمدی نهاد خانواده می‌شود و در نتیجه آسیب‌های قابل توجهی به نظام اجتماعی وارد می‌نماید.

شکل ۴- شمای کلی از وضعیت جامعه‌پذیری دینی در خانواده



کتاب‌نامه

۴۷

۱. قرآن کریم.
۲. آخوندی، محمد باقر و ایازی، سید علی نقی، اندیشه‌های اجتماعی در قرآن، مشهد، انتشارات خاتم، ۱۳۹۴.
۳. —، مفاهیم اجتماعی در قرآن، ج ۱، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
۴. —، مفاهیم اجتماعی در قرآن، ج ۲، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.
۵. تقی زاده داوری، محمود، مجموعه مقالات اجتماعی، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۸.
۶. توسلی، غلامعباس، نظریه‌های جامعه شناسی، ج ۳، تهران، سمت، ۱۳۷۱.
۷. حسامی، فاضل، قرآن و جامعه‌پذیری، معرفت، ۱۳۸۸، ش ۱۴۶، ۵۶-۳۷.
۸. خیری، حسن، بصیرت، محمد یاسین، جامعه‌پذیری در نظام اجتماعی قرآن، پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۳۹۷، ش ۳۴، ۳۲-۷.
۹. رابرتسون، یان، درآمدی بر جامعه، مترجم: حسین بهروان، تهران، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲.
۱۰. ربانی، رسول و کجیاب، محمدباقر، روان شناسی اجتماعی (دیدگاه و نظریه‌ها)، چ اول، اصفهان، نشر دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۶.
۱۱. روشه، گی، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی عمومی، کنش اجتماعی، ترجمه: هما زنجانی زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰.
۱۲. ساروخانی، باقر، مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۸۲.
۱۳. صدیق اورعی، غلامرضا، فرزانه، احمد، باقری، مهدیه، محمدی، سیده شیوا، مبانی جامعه شناسی (مفاهیم و گزاره‌های پایه)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.
۱۴. صفورایی پاریزی، محمد مهدی، شاخص‌های خانواده کارآمد، پژوهش نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، سال اول، ش ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صص ۵۸-۲۹.
۱۵. طباطبایی، سید محمدحسین، تفسیرالمیزان، مترجم، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷.
۱۶. فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، دارالملاک، ۱۴۱۹.
۱۷. فلسفی، محمدتقی، جوان از نظر عقل و احساسات، چ ۱۵، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۴۸.
۱۸. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶.
۱۹. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
۲۰. ویسی، روضان، جامعه‌پذیری، استاد راهنما: بهجت یزدخواستی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۵.
21. Elo, Satu & Kyngas, Helvi (2007). The Qualitative Content Analysis Process. Journal of a Advanced Nursing. 2008. Wiley online library
22. Mayring, Philip (2003). In: A Companion To Qualitative Research. Edited by Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke. London: Sage .
23. Thomas, David R. (2006). A General inductive approach for qualitative data analysis. American Journal of Evaluation. Vol27. No. 2

